

هر سال همین روزها، سفارت لهستان، یاد و نام کشتگان لهستانی را گرامی می‌دارد



بازدیدکنندگان گورستان، معمولاً سری هم به کلیسای مریم مقدس می‌زنند



کلیسای مریم قدس، یکی از بناهای تاریخی بندر انزلی است



بخشی از سربازان لهستانی بعدها بازمی‌گردند، اما ارتش تشکیل شده از لهستانی‌ها در جبهه جنگ ایتالیا می‌جنگند. این بار با خرسی ایرانی که تصاویرش را در حال حمل گلوله و دیگر مهمات جنگی ثبت کرده‌اند. «یان کراسنورمسیکی»، یکی از همان سربازان است که بخشی از زندگی خود را در ایران سپری کرده و در تهران به مدرسه نظامی رفته است. او هم خاطرات خوبی از انزلی و تهران دارد و روزهایی که با «ویتک» خرس ایرانی در جنگ سپری کرده است.

چندسال پیش، «کریستینا ماسکوویچ» نمایشگاهی از سرنوشت لهستانی‌ها در ایتالیا برپا کرد که هزینه آن را سربازان پیشین لهستان تأمین کردند. او در زمان آوارگی در ایران، دختر بچه چهارساله‌ای بود که «ویتک» را در پشت جبهه جنگ دیده بود.

«این نامی بود که سربازان ارتش لهستان برایش انتخاب کردند. در همدان پیدایش کردند. یک گونی دست یک پسر بچه ایرانی بود که تکان می‌خورد. وقتی از او سؤال کردند، گفت مادرش کشته شده است. وقتی در گونی را باز کردند، توله خرس ایرانی دست سربازان را لیس می‌زند. سربازان هم عاشق او می‌شوند و او را با خود می‌برند. این گونه زندگی سربازی ویتک هم آغاز می‌شود و او مانند لهستانی‌ها از وطن دور می‌افتد. ویتک هم با سربازان لهستانی وارد ایتالیا می‌شود. در این زمان ویتک را با حمل گلوله و تجهیزات جنگی در جنگ دیده‌اند و او نماد و نشانه هنگ لهستانی‌ها می‌شود. آن توله خرس، حالا خرس بزرگی شده است. خرس بزرگ قهوه‌ای هر از گاهی سر به آشوب می‌گذاشت و غذای سربازان لهستانی را می‌خورد و به تقلید از آن‌ها پا روی پا می‌گذاشت و سیگار می‌کشید. پس از جنگ خانه‌اش باغ وحشی در اسکاتلند شد. او ۲۲ سال عمر کرد ولی مانند آوارگان لهستانی دیگر هیچ‌گاه وطنش ایران را ندید».

این گذرگاه سختی برای تو است. باید دوام بیاوری. برادرم گفت: من می‌دانم ممکن است بمیرم اما حداقل در یک کشور آزاد می‌میرم» و من حالا روبه‌روی قبر کودکی ایستاده‌ام که از دیکتاتوری و جنایت، به دنبال زندگی و آزادی پا به خاک ایران گذاشت.

• • •

در وسط گورستان، ستون سنگی قرار دارد که بالای آن، تصویر یک عقاب با بال‌های باز نصب شده است. عباسیان امین در این باره می‌گویند: «عقاب نماد کشور لهستان است. روی این ستون سنگی این متن نوشته شده است: اینجا آرامگاه ۶۳۹ لهستانی است: سربازان ارتش شرق ژنرال ولادیسلاو آندرس، اسیران جنگی سابق و زندانیان اردوگاه‌های اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۴۲ در راه رسیدن به میهنشان در اینجا درگذشته‌اند. روحشان شاد باد».

جلوتر سنگ دیگری است تقریباً با همین مضمون که عباسیان امین توضیح می‌دهد: ابتدا یک نوشته بتنی مربوط به همان زمان بوده و بعدها در سال ۱۹۶۴ با ابتکار کارگزاری دیپلماتیک لهستان لوح یادبود خراب شده بازسازی شد و روی آن سنگ جدید را نصب کردند.

این فعال حوزه گردشگری می‌گوید: «این گورستان، گردشگری نوستالژیک دارد. بخشی از تاریخ میهمان‌نوازی ما ایرانی‌ها و مردم انزلی است. درحالی‌که سران کشورهای اروپایی درگیر جنگی خانمان‌سوز بودند و حتی ایران را هم اشغال کردند، مردم انزلی از ۳۰۰ هزار آوارگان انزلی پذیرایی کردند. این سنگ قبرهای پی در پی گرانیته که با حروف لاتین و علامت صلیب اینجا هستند، دقیقاً شبیه آرامستان‌های لهستان است، جز محل دفن آن‌ها که بندر انزلی است. آن‌ها که از میهنشان به زور تبعید شدند، دلتنگ بازگشت به آشیانه‌شان بودند اما بیماری و بینوایی آنان را فرسود و به ناچار در خاک بیگانه خفتند».

**تابستان ۱۳۲۱**  
**خورشیدی، انزلی**  
**میزبان ۳۰۰ هزار**  
**پناهجوی لهستانی**  
**می‌شود. اما در بازه**  
**زمانی سه‌ماهه که این**  
**آوارگان در انزلی ساکن**  
**می‌شوند، ۶۳۹ نفر**  
**در اثر انواع بیماری‌ها**  
**به‌ویژه تیفوس**  
**می‌میرند**